



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۹ فروردین ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۵ جمادی الاولی ۱۴۳۳

جلسه: ۲۶

موضوع کلی: وجوه اعجاز قرآن

موضوع جزئی: عدم وجود اختلاف در قرآن

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث ما درباره وجوه اعجاز قرآن بود، عرض کردیم اصل اعجاز قرآن قطعی و مسلم است لکن شبهاتی پیرامون اعجاز قرآن مطرح شد که ما به آنها پاسخ دادیم. در بحث از وجوه اعجاز قرآن هم عرض کردیم اعجاز قرآن در ابعاد و وجوه مختلف متجلی شده؛ یکی از وجوه اعجاز قرآن عدم وجود اختلاف و تعارض و تناقض در قرآن است، برای این منظور به آیه شریفه: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ ۚ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۱ استدلال شده است. آنچه که از این آیه استنباط می‌شود یک قیاس استثنایی است که متشکل از دو مقدمه است؛ مقدمه اول این است که اگر قرآن از ناحیه غیر خدا بود اختلاف کثیری در آن یافت می‌شد. مقدمه دوم این است که اختلاف کثیر در قرآن وجود ندارد پس نتیجه این می‌شود که قرآن از ناحیه غیر خداوند متعال نیست؛ یعنی قرآن از ناحیه خداوند تبارک و تعالی نازل شده است.

دو نکته درباره مقدمه اول:

در مقدمه اول چند نکته باید مورد توجه قرار بگیرد:

نکته اول این است که معنای ملازمه بین مقدم و تالی که در مقدمه اول آمده این نیست که هر کتابی اگر از ناحیه غیر خداوند متعال باشد لزوماً در آن اختلاف کثیر وجود دارد چون مقدمه اول این بود که اگر قرآن از ناحیه غیر خداوند متعال بود اختلاف کثیر در آن دیده می‌شد. منظور مقدمه اول این نیست که اگر ما به کتب دیگر مراجعه کنیم در آنها اختلاف وجود دارد و در قرآن نیست، ما اگر این معنی را بخواهیم از مقدمه اول استفاده کنیم مسلماً موارد زیادی وجود دارد که این مطلب را نقض می‌کند چون کتاب‌های زیادی در طول تاریخ نوشته شده که در آنها اختلاف کثیر وجود ندارد و این گونه نیست که گفته شود در هر کتابی غیر قرآن اختلاف کثیر وجود دارد. منظور از این مقدمه این است که اگر قرآن با توجه به خصوصاتی که در آن وجود دارد قرار بود از ناحیه غیر خدا باشد در آن اختلاف کثیر یافت می‌شد؛ یعنی این ملازمه به خصوص در مورد خود قرآن به عنوان یک کتاب خاص مطرح است که اگر قرآن از ناحیه غیر خداوند متعال بود اختلاف کثیری در آن مشاهده می‌شد. پس از این مقدمه استفاده نمی‌شود که هر کتابی غیر از قرآن در آن اختلاف کثیر وجود دارد بلکه این مطلب مختص

۱. نساء/۸۲.

به قرآن است که قرآن یک ویژگی دارد که اگر این کتاب را دیگری می‌خواست بنویسد و از ناحیه غیر خدا بود حتماً در آن اختلاف کثیر یافت می‌شد پس این نکته مهمی است که باید به آن توجه شود.

نکته دوم این است که قرآن یک خصوصیتی دارد که مشتمل بر علوم و معارف مختلف است، قوانین و مقررات و احکام شرعیه گوناگون در آن بیان شده است، متضمن دستورات و تعالیم اخلاقی کثیری است، حکایات و قصص تاریخی فراوانی در قرآن آمده، اخبار از غیب در قرآن وجود دارد و خبر از موجودات نامرئی و مادی؛ یعنی مجردات می‌دهد، یک کتابی با این خصوصیتی که ذکر شد اگر می‌خواست از ناحیه غیر خداوند متعال باشد اختلاف کثیری در آن مشاهده می‌شد؛ یعنی اگر بشر عادی می‌خواست این کتاب را بنویسد حتماً دچار تعارض و تناقض می‌شد؛ چون اولاً این تنوع موضوعی به ضمیمه زمان طولانی بیست و سه ساله که قرآن در این ظرف زمانی نازل شده به ضمیمه ملاحظه محدودیت توانایی‌های بشر و تغییر و تطور در افکار و اندیشه‌های بشر که در طول زمان اتفاق می‌افتد قطعاً اگر بشر می‌خواست قرآن را با این خصوصیات بنویسد دچار تعارض و تناقض می‌شد. گاهی مشاهده می‌شود که انسان‌های بزرگ که تألیفات زیادی هم دارند اختلاف نظر زیادی دارند که مثلاً نظر آنها در یک کتاب با کتاب دیگر متفاوت است. در حال حاضر هم مشاهده می‌شود که مثلاً علماء از نظر سابق خود برمی‌گردند و نظر آنها عوض می‌شود. پس با توجه به تنوع موضوعی که در قرآن وجود دارد و همچنین با توجه به طولانی بودن زمان نزول قرآن فهمیده می‌شود که قرآن از ناحیه بشر عادی نازل نشده و از ناحیه خداوند متعال نازل شده که علی‌رغم نکاتی که عرض شد اختلاف و تعارض در قرآن مشاهده نمی‌شود. پس نتیجه‌ای که ما از بیان این دو نکته می‌گیریم این است که کتابی با این خصوصیات حتماً باید از ناحیه خداوند تبارک و تعالی نازل شده باشد چون در آن هیچ اختلاف و تعارضی وجود ندارد.

پس مقدمه اول یعنی اگر قرآن از جانب غیر خداوند متعال بود باید اختلاف کثیری در آن مشاهده می‌شد ظاهراً با این بیانی که عرض شد روشن است و بحثی در آن نیست.

اشکالات مقدمه دوم:

مقدمه دوم این بود که در قرآن اختلاف کثیر وجود ندارد و از راه بطلان تالی بطلان مقدم نتیجه گرفته می‌شود که عدم نزول قرآن از ناحیه غیر خداوند متعال باشد. در مورد مقدمه دوم؛ یعنی بطلان تالی اشکالاتی شده که به آنها اشاره می‌کنیم:

اشکال اول:

اشکال اول این است که در قرآن اختلاف و تعارضات زیادی وجود دارد و شاهد این مطلب هم این است که در کتب مفسرین تلاش شده تا بین این تعارضات و تناقضات جمع شود تا جایی که کتاب‌های زیادی در مورد تعارضات و تناقضات موجود در قرآن نوشته شده و کم نیستند کتاب‌هایی که به شبهات پیرامون این مسئله پرداخته‌اند و اختلافات و تناقضات قرآن را ذکر کرده‌اند لذا به نظر می‌رسد مقدمه دوم اشکال داشته باشد.

پاسخ:

پاسخی که می‌توان به این شبهه داد این است که مواردی که به عنوان اختلاف و تعارض و تناقض در قرآن مطرح است یا اساساً تعارض و تناقض نیست یا اگر هم تعارض و تناقض باشد یک تعارض بدوی است که قابل حل است؛ چون در همان کتاب‌های تفسیری که به موارد سؤال و اشکال پرداخته و تعارضات موجود در قرآن ذکر شده، پاسخ آنها هم داده شده - ما فعلاً کار نداریم که پاسخ آنها صحیح است یا خیر - و عموماً این تعارضات را حل شده دانسته‌اند. مستشکل به نحو کلی اشکال کرد و پاسخ ما هم کلی است، بله اگر مورد خاصی است که در آن تعارض وجود دارد و پاسخ هم داده نشده باید بررسی شود تا ببینیم آیا قابل پاسخ می‌باشد یا خیر اما اینکه مستشکل به نحو کلی می‌گوید در قرآن تعارض و اختلاف وجود دارد و دلیل آن هم وجود کتاب‌هایی است که به این تعارضات اشاره کرده ما هم در پاسخ عرض می‌کنیم به موازات همان شبهاتی که مطرح شده در کتب تفسیری به پاسخ آن شبهات هم اشاره شده است، بعضی از موارد هم که در نظر مستشکل به عنوان تعارض و تناقض مطرح شده فی الواقع تعارض و تناقض نیست بلکه ممکن است ابهاماتی باشد که در بعضی موارد مطرح شده؛ مثلاً ممکن است در مورد بعضی از آیات متشابه که در قرآن وجود دارد به واسطه اینکه علم آنها به اهلش داده شده و هر کسی نمی‌تواند در مورد متشابهات سخن بگوید سؤالاتی وجود داشته باشد، ولی ابهام، غیر از تعارض و تناقض است و هر جا که ابهام وجود داشته باشد لزوماً به معنای اختلاف و تعارض و تناقض نیست پس بعضی از مواردی که به عنوان اشکال مطرح شده که در قرآن تعارض و تناقض وجود دارد، فی الواقع اموری است که به نظر شخص مبهم آمده است بعلاوه همان موارد هم اصلاً ابهام ندارد زیرا گفته می‌شود قرآن دارای ظاهر و بطونی است که ممکن است به حسب معنای بطنی و حقیقی یک آیه، تأویلاتی که حتی خلاف ظاهر باشد برای آن آیه شده باشد که اهل بیت (ع) که مبین قرآن هستند آن تأویلات را درک می‌کنند و برای اشخاص عادی قابل فهم نیست و خود مبهم‌گویی و رازگویی که در قرآن وجود دارد حکمتی دارد و راز آلود بودن بعضی از بخش‌های قرآن لزوماً به معنای مبهم گذاشتن برای همه نیست و برای بعضی از مردم که در سطح پایینی از درک و معرفت هستند مبهم است اما راسخون فی العلم (اهل بیت علیه السلام) و کسانی که در مکتب اهل بیت (ع) تربیت شده باشند می‌توانند حقایق آیات الهی را درک کنند لذا به نظر می‌رسد این اشکال در مورد مقدمه دوم وجود ندارد.

اشکال دوم:

در خود قرآن به وجود نسخ اعتراف شده و وجود نسخ در قرآن به طور واضح و روشن دلالت بر وجود اختلاف و تعارض می‌کند و اینکه یک سخنی گفته شود و بعد از آن عدول شود که معنای نسخ است مصداق بارز تعارض و اختلاف است. با توجه به آیه شریفه: «مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِخْهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ۗ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱ و آیه شریفه: «وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ ۖ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۲ فهمیده می‌شود که

۱. بقره/۱۰۶.

۲. نحل/۱۰۱.

وقوع نسخ در قرآن از امور قطعی و مسلم است پس بعد از اینکه ثابت شد وقوع نسخ در قرآن از مسلمات است و خود قرآن هم به نسخ اعتراف کرده معلوم می‌شود که در قرآن اختلاف و تعارض وجود دارد. دلیلی بهتر از نسخ بر وجود اختلاف و تعارض در قرآن وجود ندارد و وجود آیاتی دال بر وقوع نسخ در قرآن که به آنها اشاره شد با آیه شریفه: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ ۚ وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۱ که بر عدم اختلاف کثیر در قرآن به آن استناد شد ناسازگار است؛ چون از یک طرف طبق این آیه شریفه خود قرآن می‌گوید: اگر قرآن از جانب غیر خداوند متعال نازل می‌شد اختلاف کثیری در آن مشاهده می‌شد و از طرف دیگر آیات دال بر وقوع نسخ در قرآن دال بر اختلاف و تعارض در قرآن است که این دو مطلب با هم سازگاری ندارد.

بحث جلسه آینده: پاسخ به شبهه نسخ را انشاء الله در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»